# 950131-740

**‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌سه‌شنبه – جلسۀ 114**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

مرحوم آقای خوئی فرموده‌اند اگر اجماع نداشته باشیم بر این‌که کساین که شب سیزدهم را در منی می‌مانند حتما باید روز سیزدهم رمی جمرات بکنند و از منی نفر کنند جا دارد در دلیل وجوب رمی جمرات روز سیزدهم مناقشه بکنیم و بگوییم رمی جمرات روز سیزدهم واجب نیست، مستحب است حتی برای کسانی که شب سیزدهم را در منی می‌مانند. واجب نیست که روز رمی جمرات بکنند در روز سیزدهم. دوست دارند بدون رمی جمرات از منی کوچ کنند. چون دلیل معتبری بر وجوب رمی جمرات روز سیزدهم ما پیدا نکردیم. ایشان فرموده است اگر دلیل صحیحه معاویة بن عمار باشد که در این صحیحه این‌طور تعبیر کرده: اذا اردت ان تنفر فی یومین فلیس لک ان تنفر حتی تزول الشمس. روز دوازدهم اگر نفر بکنی باید بعد از اذان ظهر نفر کنی. و ان تاخرت الی آخر ایام التشریق و هو یوم النفر الاخیر فلاشیء علیک ایّ ساعة نفرت و رمیت قبل الزوال او بعده.

[سؤال: ... جواب:] اذا اردت ان تنفر فی یومین یعنی دو روز در منی بمانی و بروی. فمن تعجل فی یومین فلااثم علیه. یعنی روز دوازدهم اگر بخواهی کوچ بکنی... صبح روز دوازدهم آماده کوچ می‌شدند، عملا روز دهم و یازدهم در منی بودند. روز دوازدهم یوم النفرشان بود. فمن تعجل فی یومین فلااثم علیه. اگر می‌خواهی روز دوازدهم نفر کنی اذان ظهر بگویند بعد نفر کن.

و ان تاخرت الی آخر ایام التشریق و هو یوم النفر الاخیر ولی اگر شب سیزدهم را بمانی در منی فلاشیء علیک چیزی بر تو نیست. اشکالی ندارد. هر ساعتی خواستی نفر کنی و رمی کنی چه قبل از ظهر چه بعد از ظهر بلامانع است. ایشان فرموده اگر استدلال کسی بکند به این صحیحه معاویة بن عمار بر این‌که امام چون فرمود نفرت و رمیت، بعد از رمی جایز است شما کوچ بکنی روز سیزدهم قبل از رمی جمرات کوچ کردن جایز نیست.

جواب می‌دهیم قطعا این جمله و رمیت زیادی است در این روایت. قطع به زیادی بودن این جمله داریم. و حدیث صحیحش این است که فلاشیء علیک ایّ ساعة نفرت قبل الزوال او بعده. و رمیت اضافی است. ایشان فرموده: من که می‌گویم اضافی است نه این‌که چون در وسائل این جمله وجود ندارد من اعتماد به نقل صاحب وسائل می‌کنم که این جمله در وسائل نیست. نخیر؛ قطعا صاحب وسائل اشتباه کرده است چون در تمام نسخ تهذیب، در وافی، در حدائق،‌ در کافی،‌ این جمله هست. ولی آن منبع اصلی که این جمله اضافی را آورد او اشتباه کرده در نقل حدیث امام. این جمله از امام صادر نمی‌‌شود. چرا؟ ایشان می‌فرماید برای این‌که معنا ندارد که امام بفرمایند که در روز سیزدهم اشکالی ندارد هر ساعتی خواستی رمی جمرات بکنی چه قبل از ظهر چه بعد از ظهر. معلوم است که رمی جمرات روز سیزدهم یا روزهای دیگر بلامانع است چه قبل از ظهر چه بعد از ظهر. بحث در نفر است. نفر روز دوازدهم نمی‌‌تواند قبل از ظهر باشد. نفر روز سیزدهم بلامانع است چه قبل از ظهر چه بعد از ظهر. و لذا این روایت باید این‌طور باشد که ان اردت ان تنفر فی یومین فلیس لک ان تنفر حتی تزول الشمس و ان تاخرت الی آخر ایام التشریق و هو یوم النفر الاخیر فلاشیء‌ علیک ایّ ساعة نفرت قبل الزوال او بعده. او رمیت زیادی است.

و شاهد این است که هیچ فقیهی به این جمله استدلال نکرده برای وجوب رمی جمرات روز سیزدهم.

بله، رمی جمرات روز سیزدهم سنة النبی بوده. ما منکر نیستیم. پیامبر که روز سیزدهم نفر کردند از منی اول رمی جمرات کردند و بعد از آن نفر کردند. اما فعل پیامبر که دلیل بر وجوب نیست.

این فرمایش آقای خوئی به نظر ما ناتمام است:

اما این‌که ایشان فرمود استدلال نکردند احدی از فقهاء به این فلاشیء علیک ایّ ساعة نفرت و رمیت، چون نیازی به استدلال نبود؛‌ مطلب واضح بود برای فقهاء. صاحب جواهر هم تمسک کرد به اطلاقات برای وجوب رمی جمرات روز سیزدهم. ایشان تمسک نکند به این صحیحه دلیل نیست که فقهاء این صحیحه را قابل تمسک نمی‌‌دانستند.

و اما این‌که ایشان فرمود قطع داریم که این جمله اضافی است، از کجا ما قطع داریم؟ لف و نشر مشوش است. و مؤید این مطلب این است که نفر گاهی از خروج از منزل اطلاق می‌شود. روز سیزدهم بود کاری نداشتند در منی غیر از رمی جمرات. اساس‌شان را از منزل جمع می‌کردند شروع می‌کردند در نفر، می‌آمدند جمرات، رمی جمرات می‌کردند، از منی خارج می‌شدند. و به لحاظ وقوع نفر بله، نفر بعد از خروج از منی است. ولی شروع در نفر را اگر حساب کنیم اصلا می‌تواند قبل از رمی جمرات از منزل اساس‌ها را جمع می‌کردند می‌آمدند جمرات رمی می‌کردند و از منی خارج می‌شدند. به این لحاظ گفته شده که روز سیزدهم لاشیء‌ علیک ایّ ساعة نفرت و رمیت. یعنی از منزل شروع بکنی در نفر بعد بیایی رمی بکنی و از منی خارج بشوی. فوقش می‌گویید لف و نشر مشوش، این‌که در کلمات زیاد است لف و نشر مشوش.

[سؤال: ... جواب:] فرمایش ایشان مبتنی بر این است که رمیت بعد از نفرت باشد. و الا اگر قبل از نفرت بفرماید لاشیء علیک ایّ ساعة‌ رمیت و نفرت، طبیعی است که رمی قبل از نفر است. آقای خوئی چون دید رمی را بعد از نفر ذکر کردند حساس شد. و الا اگر رمی قبل از نفر بود که مشکلی نبود. فلاشیء علیک ایّ ساعة رمیت و نفرت. خب رمی قبل از نفر است. و این قبل الزوال او بعده هم می‌خورد به این نفر. چون رمیت را در این حدیث آخر ذکر کرده و قدرمتیقن از این قید قبل الزوال او بعده این است که برگردد به این جمله اخیره که و رمیت است ایشان حساس شده؛ می‌گوید رمیت قبل الزوال او بعده معنا ندارد گفته بشود، معلوم است رمیت چه قبل از زوال چه بعد از زوال اشکال ندارد. ما می‌گوییم لف و نشر مشوش است و مصحح عرفیش هم همان است که عرض کردیم که شروع در نفر از منزل می‌کردند می‌آمدند رمی جمرات می‌کردند خارج می‌شدند. این کار را حضرت فرمود چه قبل از ظهر انجام بدهی چه بعد از ظهر اشکالی ندارد. هذا اولا.

[سؤال: ... جواب:] اگر قبل از نفرت و رمیت گفته می‌شد که مشکلی نبود. چون می‌خواهد بگوید قبل از نفر رمی جمرات بکنی. ... می‌خواهد بگوید فلاشیء علیک ایّ ساعة رمیت و نفرت. اشکال ندارد هر وقت خواستی رمی کن و نفر کن چه قبل از زوال چه بعد از زوال. منتها این چه قبل از زوال چه بعد از زوال به لحاظ آن نفر است. این‌که اشکالی نداشت. اشکال آقای خوئی از اینجا ناشئ شده که رمیت را بعد از نفرت گفتند که این هم مشکلی به نظر ما تولید نمی‌‌کند.

هذا اولا.

و ثانیا: کی می‌گوید از واضحات بود که رمی جمرات فرقی نمی‌‌کند قبل از زوال و بعد از زوال؟ عامه واجب می‌دانند رمی بعد از زوال باشد در روز یازدهم و دوازهم و سیزدهم. شیخ طوسی در خلاف می‌گوید لاخلاف فی وجوب رمی الجمرات بعد الزوال. شیخ طوسی شیخ الطائفة می‌گوید لاخلاف فی وجوب کون رمی الجمرات بعد الزوال. اشکال دارد امام علیه السلام بفرمایند شما روز سیزدهم هر کی می‌خواهی رمی کنی قبل از زوال و بعد از زوال بلامانع است. هر کی می‌خواهی نفر کنی قبل از زوال بعد از زوال بلامانع است. ولی مستحب مؤکد است که روز یازدهم و دوازدهم رمی شما بعد از زوال باشد. مستحب مؤکد است. ما مثل شیخ طوسی نمی‌‌خواهیم بگوییم واجب است. مستحب مؤکد است. ولی در روز سیزدهم مستحب مؤکد نیست. این چه اشکالی دارد؟ برای دفع توهم وجوب رمی جمرات بعد از ظهر که عامه قائل بودند امام این‌طوری بفرمایند این اشکالی ندارد.

و لذا به نظر ما استدلال به این روایت مواجه با این اشکالاتی که آقای خوئی مطرح کردند نیست.

فقط یک اشکال دیگری اینجا مطرح است. و آن این است که لقائل ان یقول که امام یک مستحبی را که مردم معمولا ملتزم بودند و سنت بود مفروغ عنه گرفت، نفرمود ارم الجمرات و اخرج من منی، امر که نکرد. حتی اگر رمیت قبل از نفرت بود این اشکال مطرح می‌شود. گفته می‌شود که امام فرمود اگر روز سیزدهم می‌خواهی نفر کنی هر وقت که رمی را انجام دادی و نفر کردی اشکال ندارد، چه قبل از زوال چه بعد از زوال.

مثل این‌که ما معمولا قبل از ناهار دست‌مان را می‌شوریم. می‌گوید روز جمعه هر کی خواستی دستت را بشوری و ناهار بخوری اشکال ندارد. چه قبل از اذان ظهر چه بعد از اذان ظهر. چون همه در خانه هستند. ولی روزهای دیگر صبر کن بچه‌ها از مدرسه بیایند. این اشکال ندارد. نه این‌که واجب است دست شستن. چون متعارف بوده آن را بیان کردند.

اینجا هم چون متعارف بوده فرمودند فلاشیء‌ علیک ایّ ساعة نفرت و رمیت یا حتی اگر می‌فرمودند رمیت و نفرت دلیل بر وجوب نیست.

این هم به نظر ما خلاف ظاهر است. اگر مولی بیاید این‌طور تعبیر کند که شما مثلا اشکالی ندارد که هر وقت نمازت را خواندی و ناهارت را خوردی از منزل بیرون بروی، چه قبل از ساعت دو چه بعد از ساعت دو، این ظاهرش این است که اگر این کار را نکنی مجاز نیستی اگر این سفارش ما را عمل نکنی، یعنی نماز نخوانی و ناهار نخوری، مجاز نیستی به خروج. نه این‌که از باب متعارف گفته. این خلاف ظاهر است. ظاهر این است که لاشیء علیک ایّ ساعة رمیت و نفرت؛‌ اگر هر ساعتی چه قبل از زوال چه بعد از زوال بعد از رمی بخواهی نفر کنی بلامانع است اما اگر نفر کنی بدون رمی،‌ نفر شما بدون رمی جمرات باشد،‌ آنجا من نمی‌‌گویم فلاشیء علیک بل علیک شیء،‌ علیک اثم. ظاهرش این است.

[سؤال: ... جواب:] عرض کردم. اشکال ندارد. پسرش می‌گوید می‌خواهم بروم مسافرت. می‌گوید اگر روز شنبه می‌روی، صبر کن من از کار بیایم؛ برو. ولی اگر روز جمعه می‌روی، هر وقت که دلت خواست نمازت را خواندی و رفتی سفر، از نظر من بلامانع است. اگر روز جمعه بخواهی بروی هر وقت نمازت را خواندی و رفتی سفر بلامانع است؛ چه من آمده باشم از بیرون به منزل چه نیامده باشم. این یعنی چی؟ حالا اگر فرضا این نمازش را نخواند و برود پدرش به او می‌گوید من به تو چی گفتم؟ من به تو گفتم روز جمعه اشکال ندارد هر وقت خواستی نمازت را خواندی برو؛ چه قبل از آمدن من چه بعد از آمدن من. عرف می‌فهمد که نماز خواندنش سفارش شده و لازم است. و این عرفیت ندارد که این را از باب تعارف گفته. و لذا به نظر ما دلالت این روایت بر وجوب تمام است.

[سؤال: ... جواب:] پس برای چی گفتند و رمیت؟ ... فلاشیء علیک ایّ ساعة نفرت و رمیت. ظاهرش این است که اصل رمی واجب است و می‌گوید هر وقت رمی کردی می‌توانی خارج بشوی چه قبل از ظهر چه بعد از ظهر.

از این بحث بگذریم.

آخرین مطلب در این مسئله این است که ظاهر ادله این است که تا ممکن است خود حاجی باید رمی جمرات بکند. فرق می‌کند با ذبح. ذبح یک فعلی است که با تسبیب هم محقق می‌شود. به دیگری بگو اذبح هذه الشاة. او هم ذبح کند صدق می‌کند شما ذبح شاة کردید. احلق رأسی. دیگری بیاید سر شما را حلق کند صدق می‌کند انت حلقت رأسک. فعلی است که با تسبیب هم مستند می‌شود به مکلف. اما رمی جمرات مثل طواف می‌ماند؛ با استنابه صدق نمی‌‌کند که من رمی جمرات کردم. می‌گویند تو خودت که نرفتی رمی جمرات؛ نائب فرستادی. رُمی عنک؛ و لم ترم بنفسک. و لذا نیابت در رمی دلیل خاص می‌خواهد. و دلیل خاص در مورد معذورین است. و خود روایاتی که در مورد معذورین آمده می‌گوید یُرمی عنه، المریض یرمی، المغمی یرمی عنه، نشان می‌دهد که در حال اختیار این کار جایز نیست. و الا لغو بود فقط شخص مریض و مغمی عنه را بگویند یرمی عنه. این نشان می‌دهد که در حال اختیار این کار جایز نیست.

[سؤال: ... جواب:] وقتی می‌گویند المریض یرمی عنه ظاهر اطلاقی این عبارت این است که آ‌دم‌های ناتوان نائب بگیرند برای رمی یعنی آدم‌های مختار نمی‌‌توانند نائب بگیرند. نه این‌که آدم‌های مختار مخیرند بین مباشرت در رمی و استنابه ولی آدم‌های ناتوان متعین است استنابه کنند. این خلاف ظاهر عرفی است. ... اگر این استظهار را نپذیرید یکفینا همان ظهور اولی یرمی در لزوم مباشرت.

مسئله 431: یجب الابتداء برمی الجمرة الاولی ثم الجمرة الوسطی ثم الجمرة‌ العقبة.

ترتبیب بین رمی جمرات مسلم هست. شیخ طوسی هم در خلاف فرموده که لاخلاف فی لزوم الترتیب. شیخ طوسی وقتی می‌فرماید لاخلاف این ظاهرش این است که بین مسلمین خلافی نیست نه فقط بین شیعه. و الا می‌گفت اجماع الفرقة. صحیحه معاویة‌ بن عمار هم دلیل است بر لزوم ترتیب؛ چون فرموده: و ابدأ بالجمرة‌ الاولی فارمها عن یسارها ثم افعل ذلک عند الثانیة ثم تمضی الی الثالثة. این دلیل بر لزوم ترتیب می‌تواند باشد.

[سؤال: ... جواب:] حالا آن اشکال سابق ما را اگر مطرح کنید که این در عداد ذکر مستحبات هست و این ظهورش در این‌که در مقام بیان واجبات هم هست مختل می‌شود صحیحه دیگر معاویة بن عمار را می‌خوانیم برای‌تان:

الرجل ینکس فی رمی الجمار فیبدأ بالجمرة‌ العقبة ثم الوسطی ثم العظمی. جمره اولی را از او تعبیر کرد به جمره عظمی. الان می‌گویند جمره صغری. حالا این را افرادی که اهل تتبع هستند تتبع کنند. قال یعود. حضرت فرمود برگردد. رمی جمره اولی او صحیح است. ولی رمی جمره وسطی را اعاده کند. رمی جمره عقبه را هم بعدش اعاده کند. و ان کان من الغد. و لو امروز نبود، نشد فردا این کار را بکند.

[سؤال: ... جواب:] بر عکس. و من نعمره ننکسه فی الخلق؛ یعنی بر عکس می‌کنیم. ... نکس یعنی به جای این‌که از این طرف شروع کند از جمره اولی بیاید برود سراغ جمره وسطی و بعد جمره عقبه از سمت جمره عقبه شروع کرد رمی کرد جمرات را.

در صحیحه مسمع دارد: رجل نسی رمی الجمار یوم الثانی فبدأ بجمرة العقبة ثم الوسطی ثم الاولی.

یوم الثانی ما به این نتیجه رسیدیم که همان یوم ثانی از ایام منی؛ یعنی روز یازدهم. آن روایت دیروز هم که داشت یوم ثانی و یوم ثالث ما تردید داشتیم که مراد از یوم ثانی و یوم ثالث چیست، ذیل او هم قرینه می‌شود بر این‌که مراد از یوم ثانی یازدهم است و یوم ثالث دوازدهم است چون بعدش دارد که اذا کان یوم النفر. یوم النفر یعنی روز سیزدهم در مقابل یوم الثالث که روز دوازدهم است. سه روز در نظر گرفته. رجوع کنید به آن روایت؛ روایت دیروز. روایت دیروز که در سندش لؤلؤی بود، روایت عجلی دارد که یوم الثانی یوم الثالث یوم النفر. اگر یوم ثالث روز سیزدهم یوم النفر روز چندم است؟ این‌که نمی‌‌شود بعد از روز سیزده باشد. یوم النفر اخیر که معروف بوده به یوم النفر روز سیزده است. پس آن یوم الثالث می‌شود روز دوازده؛ یوم الثانی هم می‌شود روز یازده. این روایت هم همین است.

عن رجل نسی رمی الجمرة الوسطی فی الیوم الثانی قال فارمها فی الیوم الثالث لما فاته و لما یجب علیه فی یومه. بعد دارد که اذا کان یوم النفر فان لم یذکر الی یوم النفر رجع و رمی. می‌گوید اگر رمی روز دوم را انجام نداد به شکل صحیح،‌ روز سوم انجام بدهد. اگر ملتفت نشد تا یوم النفر، یوم النفر انجام بدهد. این کاملا مشخص است که یوم الثالث غیر از یوم النفر است که روز سیزدهم است.

[سؤال: ... جواب:] روز چهاردهم که هیچکس یوم النفر نمی‌‌داند. ... یوم النفر به قول مطلق روز سیزدهم است نفر از منی است. آن یوم خروج از مکه روایت دارد که اشکال ندارد اگر از مکه خارج شد و یادش آمد که رمی جمرات نکرده لایجب علیه ان یعید، نیازی به بازگشت ندارد.

این صحیحه مسمع هم موردش این است که فی رجل نسی رمی الجمار یوم الثانی فبدأ بجمرة العقبة ثم الوسطی ثم الاولی یؤخر بما رمی فیرمی الوسطی ثم جمرة العقبة. باید این برگردد و آن جمراتی را که مقدم کرده مؤخر انجام بدهد. جمره اولی که هیچ؛ انجام شد. جمره وسطی و عقبه را اعاده کند و مؤخر انجام بدهد.

پس این حکم لزوم ترتیب واضح است.

مطلب دوم این است که حکم لزوم ترتیب بین جمرات اختصاص به متعمد ندارد. اطلاق دلیل هم شامل متعمد می‌شود هم شامل جاهل و ناسی. اتفاقا دلیل خاص هم در مورد ناسی وارد شده بود؛ صحیحه مسمع: فی رجل نسی رمی الجمار، ناسی بود ولی امام فرمود خلاف ترتیب عمل کردی مجزی نیست. اگر هم این صحیحه مسمع نبود علی القاعدة می‌گفتیم اخلال به ترتیب در موارد جهل و نسیان مجزی نیست.

نفرمایید که ما در حج اصل ثانوی داریم. در صحیحه جمیل آمد که ان اناسا اتوا النبی یوم النحر فقالو قدمنا ما اخرت اخرنا ما قدمت فقال لاحرج. پیامبر اخلال به ترتیب را فرمود اشکال ندارد از روی نسیان یا جهل.

جواب شما این است که خود شما خواندید ان اناسا اتوا النبی یوم النحر. یوم النحر این سؤال و جواب انجام شد چه ربطی دارد به روز یازدهم و دوازدهم؟ رمی جمرات روز یازدهم و دوازدهم هنوز نیامده بود. سؤال اصحاب از یوم النحر بود در یوم النحر آمدند گفتند یا رسول الله هر چه تو ترتیب را مراعات کردی ما خراب کردیم ترتیب را. ناسی بودند جاهل بودند پیامبر فرمود لاحرج. می‌شود اعمال منی یا اعمال مکه که در روز عید هم انجام می‌دادند. اما رمی جمرات روز یازدهم و دوازدهم که داخل آن نیست.

[سؤال: ... جواب:] صحیحه عبدالصمد بشیر که می‌گوید فلاشیء علیه یعنی لاکفارة علیه. نفی کفاره می‌کند نه بیان صحت. رفع النسیان هم رفع تکلیف می‌کند در موارد نسیان. دلیل بر صحت عمل نسیان نیست کما بین فی الاصول. عرض کردیم صحیحه مسمع اینجا مشکل را بطور کلی حل کرده. و دلیل خاص است بر عدم اجزاء اخلال به ترتیب در رمی جمرات و لو از روی نسیان باشد.

پس مسئله واضح است.

جهت سوم این است که اگر کسی جمره اولی را مثلا ناقص انجام بدهد،‌ بعد برود سراغ جمره وسطی،‌ در روایات تفصیل دادند. فرمودند اگر جمره اولی را مثلا چهار سنگ زده، بعد رفته جمره وسطی را هفت تا سنگ زده، عیب ندارد. جمره وسطی صحیح است. برگردد سه تا سنگ به جمره اولی بزند. ولی اگر به جمره اولی سه تا سنگ زده،‌ باید برگردد. استیناف کند رمی جمره اولی را و بعد برود استیناف کند رمی جمره وسطی را. یعنی این سه تا سنگی که به جمره اولی زد کان لم یکن است. و آن هفت تا سنگی که بعدا به جمره وسطی زد او هم کان لم یکن است. دلیل،‌ صحیحه معاویة بن عمار: فی رجل رمی الجمرة‌ الاولی بثلاث، سه تا سنگ زد به جمره اولی، و الثانیة بسبع، هفت تا سنگ زد به جمره وسطی، و الثالثة بسبع،‌ هفت تا سنگ هم زد به جمره عقبه. قال:‌ یعید. چون سه تا سنگ زده به جمره اولی، یعید یرمیهن جمیعا بسبع سبع. تمام این رمی‌ها کان لم یکن است. برگردد تمام این سه تا جمره را بار دیگر هفت تا سنگ بزند. یعنی جمره اولی هم هفت تا سنگ، جمره وسطی هفت تا سنگ،‌ جمره عقبه هم هفت تا سنگ. آن قبلی‌ها کان لم یکن است. قلت فان رمی الاولی باربع و الثانیة بثلاث و الثالثة بسبع. فرض دوم مطرح کرد معاویة‌ بن عمار. عرض کرد یابن رسول الله! جمره اولی را چهار تا سنگ زده، جمره وسطی را سه تا سنگ زده، جمره عقبه را هفت تا. امام فرمود جمره اولی را سه تا دیگه برود بزند. آن چهارتا صحیح است. اما جمره وسطی چون سه تا سنگ زده،‌ باطل است. و الثانیة بسبع. جمره عقبه را هم و لو هفت تا سنگ زده اما به درد نمی‌‌خورد چون جمره قبل از آن را سه تا سنگ زده بود. و یرمی جمرة العقبة بسبع. قلت. وقتی گیر آورده بود معاویة بن عمار. سؤال سوم:‌ قلت: فانه رمی الجمرة الاولی باربع. حالا اگر چهار تا سنگ زده به جمره اولی و الثانیة‌ باربع. چهار تا سنگ هم زده به جمره وسطی. و الثالثة بسبع. جمره عقبه هفت تا سنگ زده. قال یعید فیرمی الاولی بثلاث و الثانیة بثلاث و لایعید علی الثالثة. جمره عقبه‌اش صحیح است؛ چون قبلی‌ها را چهار تا سنگ زده بود. برمی گردد سه تا سنگ می‌زند به جمره اولی، سه تا سنگ هم می‌زند به جمره وسطی، و السلام.

از این روایت همان‌طور که علامه در مختلف فهمیده، فهمیده می‌شود که اگر شما به جمره قبلی سه تا سنگ بزنی بعد بروی سراغ جمره بعدی به او هفت تا سنگ هم بزنی باید برگردی آن سه تا سنگی هم که زدی به جمره قبلی اعاده کنی. از چهار تا کمتر اگر سنگ بزنی بروی سراغ بعدی هم خود او باطل است هم بعدی. و لذا ایشان علامه در مختلف هم همین استظهار را کرده و این استظهار درست هست.

بحث در این واقع می‌شود که آیا این صحیحه معاویة بن عمار عالم عامد را می‌گیرد؟ هوس کرده صحیحه معاویة بن عمار را سمعی بصری بکند، صوتی تصویری بکند، می‌گوید می‌خواهیم اجراء بکنیم، چهار تا سنگ می‌زند به جمره اولی، چهار تا سنگ می‌زند به جمره ثانیه، بعد می‌رود هفت تا سنگ هم می‌زند به جمره عقبه، می‌گویند این کارها چی هست؟ می‌گوید امام اطلاق دارد کلام‌شان. نفرمود ناسی؛ نفرمود جاهل. مطلق است؛ شامل عالم عامد هم می‌شود.

تامل بفرمایید ان شاء الله تا فردا.